

گزارش

# پکیبیرنامه پکنگاه

شبکه پیام

بخش صبحگاهی چهارشنبه‌ها

تهیه و تنظیم : محمد مهدی سپهری خواه

نقطه  
و  
بررسی

موسسه علمی و تحقیقاتی فرهنگستان  
پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی

سال دوم، شماره دهم

۶۹

رادیر



# همه چیز درباره پیام

محمدرضا شهیدی فرد  
نویسنده و گوینده رادیو

خوشایندی در برداشت. رادیو که رفته رفته شنوندگان عاشق و دل‌باخته و انبوه خود را از دست می‌داد، از این طریق برخی مخاطبان خود را باز می‌یافت. این امکان جدید، نوع مخاطب متفاوتی را به خود می‌خواند، همچنان که مغزله مخاطب نیز با رادیو از آن دست که در دهه‌های قبل اتفاق می‌افتاد نبود. نیازهای ایرانی دهه هفتاد، گسترده و متفاوت شده بود. محتوازدگی سطحی رسانه‌ها، شاید همگی ما را خسته و آزرده کرده بود. آن چه در رسانه‌های دهه قبل اتفاق می‌افتاد، نسبت لازم را با هنر و با وسعت معنای اطلاع‌رسانی رسانه‌ای، از دست داده بود.

و در رادیو پیام قدری از هر دو یا هر سه یافت می‌شد؛ اول آن که آن شدت و حجم کلام، دیگر وجود نداشت و شنونده از آن سیل بی‌امان و مدهوش‌کننده موضوعات غالباً تکراری، کلی، غیر رادیویی و بعضاً غیر ملموس خود را ایمن می‌دید. هر چند

از آن، کسی دیگر آن را رادیو ترافیک می‌خواند. شاید هنوز تابلوهای رادیو ترافیک در نقاطی از تهران برج‌مانده باشند. زمانی گذشت تا این مجادله موقتا به سود رادیو پیام مسکوت بماند و ختم موضوع به وقتی رسید که تاسیس یک رادیو به نام «خبر» غیر ضروری تشخیص داده شد و مسئولان به همین حضور سه دقیقه‌ای در هر پانزده دقیقه رضایت دادند. اصلی‌ترین طراحان رادیو پیام، کارکنان اولیه آن بودند. آنها با آزمون و خطا و استفاده از برخی قالب‌های رایج رادیویی، شکل کلی کار را یافتند.

بنابراین اگر قالب برنامه‌سازی در رادیو پیام را امری تقریباً اتفاقی و ناشی از عدم امکانات و نیروی انسانی لازم بدانیم، به بیراهه نرفته‌ایم.



رادیو پیام همه را در معرض یک عمل انجام شده قرار داد، البته عملی که نتایج

افتتاح رادیو پیام بیش از هر چیز، به دلایل خاص، ناشی از ضرورت وجود کانال‌های رادیویی و تلویزیونی متعدد در کشور بود و می‌بایست کار به سرعت انجام می‌شد. اما مقدمات فراهم نبود و البته چاره‌ای هم نمی‌ماند جز آن که همه چیز حین انجام کار فراهم شود.

گروهی اندک به تاسیس این رادیو، با کمترین امکانات، گمارده شدند؛ یک استودیوی پخش و اندکی نوار موسیقی. بسیاری از کسانی که در این گروه قرار داشتند از کمترین تجربه کار رادیویی هم بهره نداشتند؛ هر چند برخی از ایشان با مقولات فرهنگی و هنری آشنا بودند.

در همان زمان، زمزمه تاسیس رادیو خبر هم وجود داشت. به دلیل فراهم نبودن امکان فنی، این دو رادیو از یک فرستنده پخش می‌شدند. گوینده خبر آن را رادیو خبر و گوینده پیام با فاصله‌ای اندک آن را رادیو پیام معرفی می‌کرد، و لحظه‌هایی بعد

بسیاری از اوقات موضوعات همان‌ها بود، اما لااقل حجم کمتری داشت.

دوم آن که وقت بیشتری به پخش موسیقی (هنر محض) اختصاص می‌یافت و رادیو را به یکی از اصلی‌ترین کارکردهای آن که از دهه‌های پیش در جهان رایج بود، نزدیک‌تر می‌کرد.

و سوم موضوع خبر بود که با فاصله کمتر اما کوتاه‌تر، پخش می‌شد و انتظار می‌رفت نوع خبرها و خبررسانی هم متفاوت شود که هیچ وقت این‌گونه نشد.

البته اعلام وضع ترافیک خیابان‌های تهران را هم باید به عنوان آخرین موضوع نسبتاً مؤثر به چند مورد ذکر شده اضافه کرد. شاید اگر رادیو چنین و چنان پیشینه‌ای نداشت، رادیو پیام آن اقبال را نمی‌یافت.



یادمان باشد، سال‌های آغاز دهه هفتاد، سال‌های گسترش کانال‌های تلویزیونی و افزایش ساعت پخش برنامه‌های آنها بود. این موضوع خود در تغییر عادت مردم از شنیدن رادیو به شنیدن تلویزیون (و گاهی هم دیدن) آن بسیار مؤثر بود. رادیو در ایران مثل بسیاری از کشورهای جهان به‌طور کامل تبدیل به رسانه‌ای اتفاقی شد که می‌توانست در سطح و لایه دوم زندگی، امکان حضور پیدا کند؛ روندی که ادامه خواهد داشت و شدت بیشتری خواهد گرفت.

اکنون بیشترین استفاده از رادیو، به خصوص در شهرها در اتومبیل‌هاست و همراه با انجام بعضی کارهای غیرذهنی و غیرفکری دیگر است. از اقتضانات جهانی-شدن، افزایش جمعیت شهری است و کاسته شدن از استفاده انسان به‌عنوان نیروی فیزیکی و سپردن کارها به ماشین. پس هم روستایی و هم کارگر امروز، فردا که در شهر زندگی کند و زمان بیشتری را با فعالیت‌های ذهنی بگذراند، رادیو را تقریباً

فقط در اتومبیل خواهد شنید و این موضوع، یعنی الزام قطعی بسیاری از ساختارها و قالب‌ها، تجربه سایر کشورها نیز نشان می‌دهد، برنامه‌سازی از نوع مرسوم در سایر کانال‌های رادیویی خودمان، چندان رواج و اقبال نخواهند داشت. این فرض به معنی حذف کامل قالب‌های مختلف برنامه‌سازی نیست، بلکه فقط بدان معنی است که باید به شدت تغییر یابند.

نکته حائز اهمیت دیگر این است که با توجه به کارکرد رادیو، یعنی قراردادن و قرارگرفتن به عنوان کنش ثانویه، بالطبع از عمق آن نیز کاسته خواهد شد و رادیو در حوزه کلام، به اطلاع‌رسانی و حرف‌های سطحی‌تر محدودتر خواهد شد. رادیویی که بتواند همراه با انجام کارهای دیگر، شنیده شود و نیازی به تامل جدی و مستمر نداشته باشد، طبیعی است که پخش موسیقی (به خصوص با کلام) بخش اعظم زمان این رادیو را به خود اختصاص می‌دهد.

قرارگرفتن در چنین ساحتی، دلایل و پیامدهای متعدد دیگری هم دارد که از حوصله و ضرورت این بحث بیرون است.



همه رسانه‌ها تابع دو نگرش کلی هستند؛ رسانه «مخاطب‌محور» به شدت مراقب تغییرات فرهنگی، اجتماعی مخاطبان و حتی خواسته‌های لحظه‌ای آنان است و رسانه‌های «خودمحور» در اندیشه هدایت و راهبری اجباری جامعه هدف، با در نظر گرفتن حداقل تمایلات آن. گروه اول را عمدتاً در کشورهای اروپا و آمریکا می‌توان دید و گروه دوم را بلوک شرق گذشته و جهان سوم.

حضور این نگرش‌ها در کشور ما چگونه است؟ بعید است بتوان به الگوی مشخصی دست یافت. هر چند برای اثبات حضور رسانه‌های دیداری و شنیداری ما، در هر دو سوی این طیف

نشانه‌هایی وجود دارد، اما همین تعدد و تفرق نشانه‌ها خود بیانگر وضعیت بی‌ثبات در فهم اقتضانات و رسیدن به تصمیم است. البته به نظر می‌رسد گرایش سازمان صداوسیما به رسانه‌های گروه دوم است، اما عدم پذیرش جامعه‌ای که در حال گذار از جهان سوم است، امکان تحقق تام مولفه‌های چنان دیدگاهی را به این سازمان نداده است.

در این میان رادیو پیام واجد کدام نقش است؟

افتتاح رادیو پیام چنانکه پیشتر آمد، حاصل یک ضرورت غیررسانه‌ای و شکل‌گیری تدریجی آن، عمدتاً به واسطه اتفاقات، بوده است.

رادیو پیام برای سازمان صداوسیما و دیگران یک هشدار بود؛ هشدار برای تغییر قالب‌ها و تجدید نظر در ارائه محتوا.

رادیو پیام نشانگر قدرت فزون‌یابنده مخاطب برای انتخاب شنیدنی‌هایش بود. رادیو پیام عملاً به اثبات تئوری‌هایی می‌پرداخت که دهه‌ها پیش از آن، در سوی دیگر کره زمین مطرح شده بود و امتحان خود را هم پس داده بود. اما در این سوی جهان یا کمتر کسی از آنها اطلاع داشت، یا کمتر به آنها وقعی می‌گذاشت؛ با این مدعا که ما باید تئوری‌های بومی سرزمین خود را بیابیم، سخنی که به مذاق همه خوش می‌آمد و هیچ کس هم دلیلی برای مخالفت با اصل آن نمی‌یافت و نمی‌یابد، اما معلوم نبود این تئوری‌های بومی را چه کسی و چگونه باید به دست آورد.

آن مدعیان هم به هیچ صراطی مستقیم نبودند تا آن که ناگهان شوکی به نام «رادیو پیام» وارد شد. البته مقاومت‌ها پایان نیافت و آن دسته، رادیو پیام را فقط به عنوان شکلی در کنار سایر اشکال پذیرفتند و هم‌چنان به راه خود ادامه دادند، به دنبال تئوری‌هایی که هنوز هم وضع نشده‌اند.

شاید از همان سال‌ها تاکنون، رادیو پیام به‌عنوان یک ضربه‌گیر پذیرفته

شده است و نه چیزی بیشتر. رادیویی که قدری متوجه مصلحت است و بیشتر معطوف به میل مخاطب و این موضوع می‌تواند مجموعه مخاطبان کانال‌های رادیویی را قدری راضی نگهدارد؛ لااقل تا مدتی. بعد هم که خدایزرگ است. مگر آن که رادیو پیام دیگری، آن هم نه از سر تدبیر که از سراضطرار و اتفاق، برسد و ما را وادار به پذیرش شکل تازه کند. رادیو پیام هشدار بود و هست، که کمتر فهمیده شد.



هر چند رادیو پیام پرشنونده‌ترین رادیوی کشور است، اما جواب‌گوی همه نیازهای شنوندگانش نیست. پر واضح است که قرار نیست یک رادیو همه نیازهای یک جامعه را پاسخ دهد، منتها رادیو پیام از ظرفیتی برخوردار است که به بهترین حالت از آن استفاده می‌شود.

شاید یک نگاه سنتی و محدود و محتاط، امکان رشد و بالندگی را از آن گرفته باشد، اما هنوز همان فکری که محدود به چند حرف کلی است، مقدرات رادیو را تعیین می‌کند، چه در میان مدیران و چه برنامه‌سازان. آن قدر به حرف‌ها و قالب‌های خودساخته عادت کرده‌ایم که توان جستجوی رهیافت تازه را از دست داده‌ایم.

رادیو پیام حتی در همین قالب کلی خود نیز امکان تغییر و قدری نو شدن را دارد. شاید اگر رادیو پیام با تکیه بر شخصیت گوینده یا مجری و استفاده از افراد تازه‌تری به خصوص خارج از حوزه شناخته شده گویندگان (علاوه بر استفاده از بهترین‌ها) خود را طراحی کند، اقبال بیشتری یابد. تجربه گویندگان مولف در بخش شبانه‌گاهی در صورت وسعت افق و نظر وسیع‌تری به اشکال و مضامین دیگر قابل استفاده در سایر بخش‌هاست. هنوز نصیحت و پند و



به آرشیو خصوصی و اندک تهیه‌کنندگان. این امکان محدود، موجب پخش مکرر قطعات شناخته شده است. در پخش موسیقی با کلام نیز قدری خست وجود دارد، در حالی که اقتضای این رادیو و تمایل شنوندگان عمدتاً متوجه این گونه از موسیقی است. شاید یکی از دلایل، آن باشد که بعضی تهیه‌کنندگان محترم استفاده بیش از این، از سرود و ترانه و تصنیف را موجب کاهش نقش حرفه‌ای خود می‌دانند.

خبرهای این رادیو علاوه بر همه مشکلات و نواقص همگانی، به واسطه تکرار بیهوده دوازده دقیقه‌ای اش هم شنونده را می‌آزاد. شاید پخش هر سی دقیقه خبر از وضعیت فعلی مطلوب‌تر باشد.



حضور برخی چهره‌های درخشان در رادیو پیام، موجب افزایش اعتبار و حرمت آن شده است. بخش‌هایی با تکیه بر تخصص، تبحر و تجربه این گروه، موجب یادآوری نیاز و ضرورت شنیدن نویسندگان تهیه‌کنندگان، گویندگان و مدیرانی که با تکیه بر ظرفیت‌های رادیو پیام و توانایی‌های فردی، دقایق جذاب و شایسته تحسینی فراهم می‌آورند.

رادیو پیام شاید در نگاه بیرونی، رادیویی سهل‌الوصول دیده شود، اما برای استفاده از قابلیت‌های بالقوه آن، نیرو و تلاش چندباره‌ای لازم است. در این رادیو، به واسطه محدودیت استفاده از قالب‌ها و انحصار استفاده از کلام ساده و کوتاه و موسیقی، رسیدن به ترکیبی موزون، موثر و بدیع، دشوار است. آنها که بر چنین دشواری فائق می‌آیند، بی‌شک سزاوار تکریم و تقدیرند.



اندرز و دستورات اخلاقی و ادبیات کهن، آن هم بخش محدود و مشخص و اندکی از آن اقیانوس، قسمت اعظم کلام را در این رادیو تشکیل می‌دهد.

آدم خسته امروز، در عین احتیاج مبرم به دانش و در عین آن که در بحران شدید اخلاقی، روزگار می‌گذراند، اما کمتر تاب شنیدن حرف‌های جدی و طولانی را دارد، ضمن آن که جنس حرف‌های ما حتی همین‌هایی که در رادیو پیام امروز شنیده می‌شود، بر مدار مشخص و مکرری می‌گردد.

رادیوها (و البته تلویزیون و برخی رسانه‌های دیگر) مملو از مواعظ اخلاقی مختلط‌اند؛ از کلام و سیره ائمه اطهار (ع) گرفته تا گمنامان روانشناسی غرب و صاحبان مکاتب معنوی که این روزها اندک اندک تعدادشان از مریدانشان هم بیشتر می‌شود. رادیو پیام هم گفتارهای کوتاهی از همین افراد را برمی‌گزیند به علاوه قدری حافظ و سعدی، مختصری نصیحت در باب دود و بوق اتومبیل و چراغ قرمز و ضرورت اغتنام فرصت و ضرورت موکد اخلاق خوش و ...

نیاز به قطعات گوناگون و تازه‌تری از موسیقی بیشتر از میزان کنونی نیز محسوس است؛ چرا که در حال حاضر پخش موسیقی تقریباً محدود می‌شود

# پیام؛ شبکه لحظه‌ها

محمد رضا قربانی  
تهیه کننده



چند سال است که به رادیو آمده‌اید؟

حدود چهار سال در مرکز همدان فعالیت کردم. از سال ۷۵ به تهران آمدم و در شبکه پیام به عنوان دستیار تهیه مشغول به کار شدم. تقریباً یک سال و نیم دستیار تهیه بودم و بعد از آن تهیه کنندگی را آغاز کردم. در شبکه پیام در تمام بخش‌های سحرگاهی، صبحگاهی، نیمروزی و شامگاهی کار کرده‌ام. البته بیشتر به بخش شامگاهی علاقه دارم.

بین بخش‌های شامگاهی و صبحگاهی چه تفاوت‌هایی بود و چرا به بخش‌های شامگاهی علاقه مند شدید؟

نوع و جنس موسیقی با زمان شامگاهی برایم مهم بود. آرشبو خوبی از موسیقی‌های شبانه جمع‌آوری کردم که دست را برای کار در این زمان بازتر می‌گذاشت و برای کار در آن بخش راحت‌تر بودم. هرچند می‌توان برای صبحگاهی هم همین کار را انجام داد و موسیقی خاص صبحگاهی را جمع‌آوری کرد.

یعنی برای استفاده از موسیقی در شیفت‌های مختلف تفاوت می‌گذارید؟

بله، صبح‌ها شنونده‌های خاص خودش را دارد. مخاطب آمادگی بیشتری برای پذیرش موسیقی و حتی کلام دارد. ضرباهنگ و ریتم‌تندی در

بخش‌های صبحگاهی وجود دارد و طبیعی هم هست. در صورتی که در شامگاهی این‌طور نیست و ریتم آرام و کند شبانه، موسیقی آرام و هماهنگی را با شب می‌طلبد.

چرا فکر می‌کنید مخاطب صبح‌ها و اصولاً شیفت‌های روزانه از پذیرش بالاتری نسبت به سایر شیفت‌ها برخوردارند؟ در حالی که من فکر می‌کنم شب خصوصیتی دارد که پذیرش را برای شنونده راحت‌تر می‌کند.

نه، منظورم سرعت ضرباهنگ در ریتم برنامه است. شنونده صبح سرحال‌تر از شنونده شب است. از این لحاظ می‌گویم که برای شروع یک روز در ساعات اولیه صبح ضرباهنگ تند برای شنوندگان پذیرش بیشتری دارد.

شما چه عواملی را در برنامه‌سازی برای شبکه پیام در نظر می‌گیرید؟

به عقیده من پیام از کلام و موسیقی تشکیل شده و وظیفه تهیه‌کننده هم، خلق لحظات کوتاه در این میان است. این لحظه‌ها باید متناسب با ساعت پخش باشند. اخبار و خبر ترافیک هم اجزایی هستند که از دست تهیه‌کننده پیام خارج است اما بخشی از کار شبکه پیام به‌شمار می‌رود.

آنچه به تهیه‌کننده مربوط است هماهنگی و متناسب کردن ریتم برنامه و ایجاد ارتباط بین کلام و موسیقی است.

چیزی که در شبکه پیام پخش می‌شود و مخاطب می‌شنود مجموعه‌ای است از عوامل قابل کنترل و غیرقابل کنترل که نام بردید. هماهنگی کلی میان این عوامل به چه صورت انجام می‌گیرد؟

اخبار و خبر ترافیک به‌نظر من هماهنگی خاصی نیاز ندارند. هر پانزده دقیقه یک بخش خبری و در مواقع لزوم پیام‌های ترافیکی پخش می‌شوند. فکر نمی‌کنم دلیلی برای هماهنگی با یکدیگر داشته باشند. آنها کار خودشان را انجام می‌دهند و ما هم کار خودمان را.

بین عواملی که برای شبکه پیام برشمردید، فکر می‌کنید عوامل دیگری را می‌توان به این مجموعه اضافه کرد؟ به عبارت دیگر، اگر شما در خصوص برنامه‌سازی در شبکه پیام اختیار تام داشتید آیا بخش دیگری اضافه می‌کردید یا نه؟

نه به‌نظر من شبکه پیام در یک سال و نیم اخیر روند رو به رشدی داشته و خیلی بهتر از گذشته شده؛ چه به لحاظ محتوایی و چه به لحاظ موسیقایی، چون قالبش را پیدا کرده است. آمار و ارقامی هم که از

شنوندگانش به دست آمده، این نکته را نشان می‌دهد و به نظرم هرگونه تغییری باعث می‌شود که ما بسیاری از شنوندگانمان را از دست بدهیم؛ یعنی شبکه پیام با این شیوه شنونده و مخاطب خودش را پیدا کرده است.

**یعنی هیچ یک از این بخش‌ها را حذف نمی‌کردید؟**

شاید خبر ترافیک را بشود حذف کرد. با توجه به این که مدتی است که شبکه پیام، سراسری شده است، به نظر می‌رسد برای شنوندگانی که در شهرستان‌ها شبکه پیام را گوش می‌دهند نیازی نیست که بدانند زیر پل سیدخندان ترافیک هست یا نه. فکر می‌کنم اگر بشود در بخش ترافیک تغییری ایجاد کرد بهتر شود.

**به نظر شما شبکه‌ای که با نام پیام به صورت بسته‌تری به شهر و آنچه در آن اتفاق می‌افتد می‌نگرد، آیا لازم است به یک شبکه سراسری تبدیل شود؟**

به نظر من، صرف نظر از ترافیک، سراسری شدن شبکه پیام حرکت خیلی خوبی بود. به این دلیل که من فرقی بین شنونده تهرانی و شنونده شهرستانی نمی‌بینم؛ با توجه به این که چند سال در شهرستان زندگی کردم و آنجا هم برای رادیو کار تهیه‌کنندگی کرده‌ام.

**آیا فضایی که مخاطب در آن زندگی می‌کند، موثر نیست؟ شاید شنونده شهرستانی با آنچه در تهران رخ می‌دهد آشنا نباشد و از آنها هم بی‌اطلاع باشد. وضعیت هوا، ترافیک شهر، گرمای هوا یا آلودگی هوا... همه عوامل محیطی خاص یک شهرند. اینطور نیست؟!**

البته در شهرهای دیگر هم مردم، صبح‌ها به قصد رفتن به محل کار از خانه خارج می‌شوند و اکثر شهرها هم مثل تهران دچار مشکل ترافیک هستند. هرچند در موارد دیگر من فکر نمی‌کنم نیازی به شبکه پیام داشته باشند.

**چرا شما معتقدید شبکه پیام نویسندگی**

**خاصی دارد و مثل برنامه‌های سایر شبکه‌ها نیست. مانند همین مسائل و نکات لحظه‌ای.**

همین مطالب لحظه‌ای هم که بیان می‌شود، به نظر من اگر در اصفهان، شیراز یا مشهد هم شنیده شود قابل درک و پذیرفتنی است. البته آن مطالبی هم که مدنظر شماست مطالب خیلی خاصی هستند؛ مثلاً درباره آلودگی هوا شاید خیلی خاص صحبت بشود. اتفاقاً از زمانی که شبکه پیام سراسری شده نویسنده‌ها هم در نویسندگی‌هایشان همه شهرها را مدنظر قرار می‌دهند. البته در حال حاضر شبکه پیام در همه شهرها پخش نمی‌شود و بعضی از مراکز استان‌ها پیام را می‌شنوند. در مورد خبر ترافیک، فکر می‌کنم مدیران شبکه در نظر دارند، جایگاه دیگری برای آن پیدا کنند تا به شبکه دیگری منتقل شود. البته با شرایط موجود فکر نمی‌کنم شنونده شهرستانی از خبر ترافیک خیلی ضرر کند یا اذیت شود. اتفاقاً من وقتی به شهرستان می‌روم این نکته را پی‌گیری می‌کنم. اکثر مردم در شهرستان‌ها هم شبکه پیام را گوش می‌دهند و حتی به رادیوی استانی آن شهرستان که بیشتر با حال و هوای آنها مطابقت دارد، چندان اقبال نشان نمی‌دهند. البته نبودن بخش خبر ترافیک در این شبکه بهتر است ولی با شرایط موجود مجبوریم آن را بپذیریم تا زمانی که جایگزین مناسبی برای آن پیدا شود.

**شما در شبکه پیام کار نویسندگی کرده‌اید؟**

قبلاً می‌نوشتم، ولی در حال حاضر اگر ضرورتی پیش بیاید، می‌نویسم.

**نویسندگی در شبکه پیام دارای چه شاخصه‌هایی است و چه تفاوتی با نویسندگی در سایر شبکه‌ها دارد؟**

برنامه‌های شبکه پیام دو بخش دارد: یک بخش آن تالیفی است و بخش دیگر آن انتخابی. کسی که نویسنده است باید عواملی را در نظر بگیرد؛ مثل کوتاه بودن پیام

و تاثیری که باید به صورت لحظه‌ای بر مخاطب بگذارد. نویسندگی در بخش‌هایی هم که انتخابی است باید با توجه به ساعت بخش‌های مختلف باشد.

**شما این حالت کوتاه بودن و لحظه‌ای بودن شبکه پیام را می‌پسندید؟**

به نظر من شبکه پیام به دلیل همین کوتاه و لحظه‌ای بودن توانسته ۱۳ درصد شنونده جذب کند. نوع گفتار و میزان کم آن نسبت به موسیقی، از عواملی است که شنوندگان را به شبکه پیام جذب کرده و به نظرم از موفق‌ترین رادیوها است.

**با توجه به این که در شبکه‌های دیگر رادیویی فعالیت می‌کنید، آیا این تفاوت عمده شبکه پیام، برایتان سخت و آزاردهنده نیست؟**

خیر، زیرا تهیه‌کننده وظیفه خاصی دارد که باید انجام دهد و فرق نمی‌کند که در کدام شبکه باشد. تهیه‌کننده‌های شبکه پیام معمولاً هفته‌ای یک شیفت (چهار ساعت) در این شبکه کار می‌کنند و به دلیل این زمان کم فکر می‌کنم تاثیر زیادی بر کارهای دیگرشان نداشته باشد.

**منظورم این بود که وقتی شما به این نتیجه رسیدید که کم‌گفتن و لحظه‌ای پیام‌دادن در کنار موسیقی زیبا و متناسب خیلی تاثیر بیشتری دارد و مخاطب بیشتری جذب می‌کند، آیا برای شما آزاردهنده نیست که در شبکه دیگری دو ساعت برنامه داشته باشید با بحث‌های طولانی، در حالی که می‌دانید و به تجربه هم برایتان ثابت شده که کلام طولانی دیگر برای مخاطب جذاب نیست.**

خیر هر شبکه‌ای برای خودش تعریف خاصی دارد؛ مثلاً ما در شبکه تهران گزارشگر داریم، کارشناس برنامه داریم، تلفن و ارتباط با مخاطب داریم و کلاً در هر شبکه تعریف جدایی از برنامه‌سازی وجود دارد.

شبکه پیام به طور کلی یک شبکه پخش موسیقی است که باید در میان آن اخبار و

خبر ترافیک هم پخش شود؛ یعنی اجازه نداریم بیشتر از این با مخاطب صحبت کنیم. شبکه تهران هم شنونده خاص خودش را دارد؛ با رویکردی به موضوعات شهر تهران و بررسی اتفاقاتی که در تهران رخ می دهد. شبکه های دیگر هم همین طور هستند.

### درباره استفاده از موسیقی چه اصولی دارید؟

خوشبختانه در شبکه پیام با تشکیل کمیته های ارزیابی که در یک سال و نیم اخیر تشکیل شده است، دیگر برای موسیقی ها شخصیت قائل می شوند؛ یعنی اگر تا سه سال پیش بعضی موسیقی های بازاری از شبکه پیام پخش می شد، دیگر در حال حاضر چنین نیست و موسیقی ها هویت پیدا کرده اند و موسیقی های بی ارزش و مبتذل را پخش نمی کنند. البته موسیقی دارای بحثی کلی و اساسی است. شاید خصوصیات و توانایی هایی را که موسیقی ایرانی دارد هیچ موسیقی دیگری نداشته باشد، ولی مشکل اساسی اینجاست که ما کمبود موسیقی خوب ایرانی داریم. مشکل دیگر این است که استفاده از موسیقی ایرانی خیلی سخت است.

به نظر من اگر از موسیقی ایرانی خوب و درست استفاده بشود قطعاً جای موسیقی پاپ را هم می گیرد.

**شما برای یک شیفت شبکه پیام، کنداکتور خاصی دارید و آیا این کنداکتور تفاوتی با کنداکتور شبکه های دیگر دارد؟**  
یک شیفت شبکه پیام چهار ساعت است و زمانی که شما از شنونده بپرسید چه شنیدید جواب می دهد چهار ساعت برنامه،

در حالی که به نظر من در این چهار ساعت ما به فاصله هر پانزده دقیقه خبر داریم و بعد از هر خبر یک برنامه جدید آغاز می شود؛ یعنی دقیقاً باید ۱۶ برنامه با ۱۶ فضای مختلف داشته باشیم که این به نظرم خیلی سخت تر از سایر شبکه ها است. در شبکه پیام تنها با دو عامل موسیقی و گویندگی است که می توانید برنامه بسازید، ریتم ایجاد کنید و به فضای دل خواه برسید. ما در این چهار ساعت باید روی ثانیه ها برنامه ریزی کنیم؛ یعنی اگر ۲۷ ثانیه بشود ۲۶ ثانیه، یک ثانیه

### شبکه پیام به طور کلی یک شبکه پخش موسیقی است که باید در میان آن اخبار و خبر ترافیک هم پخش شود؛ یعنی اجازه نداریم بیشتر از این با مخاطب صحبت کنیم.

سکوت داریم. من معمولاً کنداکتور مشخص برای برنامه نمی بندم و در موارد خاص این کار را می کنم. مجموعاً در شبکه پیام کنداکتور هست اما مانند سایر شبکه ها کنداکتور آهنبینی نیست. شما یک فضای را به صورت ذهنی طراحی می کنید، ولی مثلاً در دوازده دقیقه چهارم می بینید این فضا دیگر جواب نمی دهد و باید یک جایی این فضا شکسته شود. خوب همانجا باید این تغییر را ایجاد کرد تا به فضای مطلوب رسید؛ یعنی باید در هر لحظه با برنامه ارتباط

داشت. من هر وقت فکر می کنم فضای برنامه دستم نیست، برای یک لحظه چشمهایم را می بندم و تمرکز می کنم و در آن ساعت خودم را بیرون از استودیو حس می کنم؛ مثلاً الان ساعت ۹/۵ صبح است، می بینم خیابان چه وضعیتی دارد، خانم های خانه دار چه می کنند و براساس آن به فضای مورد نظر می رسم.

تهیه کننده باید لحظه به لحظه همگام و همسو با شنونده باشد و خودش را بیرون از استودیو ببیند. با این حال آن چیزی که در شبکه پیام مهم است اتفاقی است که داخل استودیو رخ می دهد؛ یعنی تهیه کننده، مجری و صدابردار. فکر می کنم قشنگی کار هم به همین عوامل بستگی دارد؛ یعنی آفریدن لحظات کوتاه، زنده و همگام با شنونده نه جدا از شنونده.

**اگر در شبکه پیام دستتان برای انجام هر کاری باز بود، چه می کردید؟**

موسیقی تولید می کردم، البته اگر به لحاظ هزینه دستم باز بود. ما خیلی جوان های مستعد داریم که نوازنده اند ولی هیچ جایی برای عرضه آثارشان ندارند. قبلاً هم که کار اصلی ام در شبکه پیام بود چندین بار این کار را پیشنهاد دادم. در مجموع فکر می کنم شبکه پیام ویژگی های خوبی دارد و هر بار که تصمیم گرفته شد در این ساختار تغییری اساسی انجام شود منجر به از دست دادن میزان قابل توجهی از شنندگان شد. با این حال پیام در حال حاضر روند خوبی دارد و قطعاً در آینده بهتر از این هم خواهد شد.



### به دنیای دیجیتال خوش آمدید

«شما می توانید حین کار با رایانه شخصی تان، رادیو پیام را نیز از طریق اینترنت گوش کنید.»  
با این که در دنیای ارتباطات این اتفاق چندان خارق العاده نیست، اما برای مجموعه شبکه های رادیویی و تلویزیونی کشور حضور در دنیای دیجیتال، اتفاقی است مبارک.

باید این اتفاق را به فال نیک گرفت و برای تداوم این حرکت امیدوار ماند.

ضمناً اگر خواستید پیام را از رایانه بشنوید، کافی است تایپ کنید:

WWW.irib.com/Radio/Live Broadcast/audio4.ram

# شما شایسته یک

## سلام تازه اید<sup>(۱)</sup>



محمد مهدی لیبی

اولین بار یک صبح چهارشنبه برحسب اتفاق شنونده رادیو پیام بوم، اما به مرور زمان احساس وابستگی بیشتری به این بخش پیدا کردم. تهیه کننده این برنامه (آقای قربانی) را به خوبی می شناسم و گوینده آن (آقای شهیدی) نیز نه تنها برای من، بلکه برای اکثریت خوانندگان آشنا است. فکر می کنم یکی از وجوه مشترک این دونفر، سنت شکنی و نوآوری آنهاست و این ویژگی را در گذشته اثبات کرده اند.

به هر حال این برنامه در هر چهارشنبه، حال و هوای خاص خودش را دارد و شنونده از قبل نمی تواند حدس بزند که محور اصلی برنامه چیست؟ گاهی اوقات از روز و شب و گذشت ایام سخن می رود و گاهی از تلخی ها و شیرینی های زندگی و زمانی از واقعیاتی که دور و بر ما است. برنامه نه در پی نصیحت کردن است و نه شنونده را دچار فشار عصبی می سازد، بلکه برای لحظاتی او را به دنیای زیبایی می برد که فارغ از غم ها و رنج های روزانه است.

تحلیل نوع موسیقی یا هماهنگی آن با متن برنامه را به کارشناسان و متخصصان موسیقی واگذار می کنیم، اما شنونده در این چند ساعت احساس ناهماهنگی نمی کند. اصل مطلب به متن برنامه مربوط می شود که من آن را منحصر به فرد می دانم. جملات متن برنامه آن قدر زیبا هستند که دلنشین بودن صدای گوینده و تلاش دلسوزانه تهیه کننده را باید متاثر از جذابیت آن بدانیم.

یک روز متن برنامه و سخن گوینده آن- چنان همگام با زمان است که گویی برای

تمامی لحظه های یک صبح تدارک خاصی دیده شده است. همزمان با طلوع آفتاب جملات زیبایی در این مورد شنیده می شود: «گل بی آفتاب نمی شکند و سعادت بدون عشق به وجود نمی آید» و هنگامی که خورشید کاملاً بالا می آید می شنویم که «اگر خورشید نور خودش را بیشتر کند سایه ها کوتاه می آیند...». نیم ساعت بعد، موقع صرف صبحانه است و برنامه نیز با ما هماهنگ است و می شنویم که «خورشید، سفره صبح را پهن می کند و...». در فواصل برنامه معمولاً دو سرود پخش می شود و گوینده مشخصات هر دو سرود را هم اعلام می کند.

گاهی اوقات متن برنامه بسیار رویایی است و شنونده یا خود را روی ابرها حس می کند و یا به دلیل عدم برقراری ارتباط، هیچ احساسی به او دست نمی دهد. این بخش «خاص» است و شنونده «خاص» را می طلبد و تنها از این منظر باید به آن بنگریم. اگرچه «دیگران» از موسیقی و خبرهای این بخش لذت خواهند برد اما درک زیبایی کلام مجری و فهم آن چه که او بر زبان می آورد نیازمند روحیه ای لطیف (یا بهتر بگوییم) سرشار از لطافت است. اجازه بدهید چند سطری هم با عینک ذره بینی نوشته شود تا حداقل مظنون به همدستی نشویم.

نویسنده گرامی با دارا بودن قلمی شیوا و لطیف، کنترل دقیقی بر نوشته های خود ندارد. گاهی اوقات غلیان احساسات او را به سوی احساسی نوشتن سوق می دهد؛

مثل این جمله که «خورشید اگر نخواهد خورشید باشد حتما دلش می خواهد ایران باشد!»<sup>(۲)</sup> و در کنار آن باید به بعضی از جملات ادبی یا اشعار اشاره نمود که جای بحث بسیار دارد: «مراقندی که شیرینی اش تویی و... و خود را التهایی که آغوش منم...».

البته در این «گل فروشی چهارشنبه»<sup>(۳)</sup> تیپ های گوینده بسیار اندک و نامحسوس است ولی ریتم یکنواخت موسیقی در طی یک زمان طولانی، قدری خسته کننده است. دوست دارم آخرین جملات این نوشته را با جملات انتهایی این برنامه در یکی از روزها به پایان ببرم:

«داستان غم انگیز زندگی این نیست که انسان ها فنا می شوند، بلکه داستان غم انگیز این است که آنها از دوست داشتن بازمی مانند و عاشقی را فراموش می کنند.»

پاورقی

۱- چهارشنبه ۱۹/۴/۸۱

۲- چهارشنبه ۲۶/۴/۸۱

۳- «گل فروشی چهارشنبه» نامی که مجریان این بخش برای برنامه خود انتخاب کرده اند.







# رادییوی ترافیک یا ترافیک رادیویی؟!

وقتی مقابل ساختمان مرکز کنترل ترافیک تهران می ایستید، عظمت بنای آن، آنقدر روی شما تاثیر می گذارد که متوجه شوید مرکز کنترل ترافیک، تنها پیامهای ۱۰ ثانیه ای نیستند که ما گهگاه از رادیو پیام می شنویم.

اینجا تشکیلات عریض و طولی است با تجهیزات و فناوری روز دنیا که به موضوع کنترل ترافیک و بسیاری از تبعات آن در سطح شهر تهران نظارت دارند که به غیر از رادیو، از طریق تلویزیون، اینترنت و حتی رسانه های نوشتاری با مردم در ارتباط هستند. علاوه بر آن، اینجا مرکزی است که امروز بیشتر به یک شبکه وسیع و کارآمد اطلاعاتی شباهت دارد. حضور نمایندگی فعال و پویا و با ارتباطی مناسب از تمامی موسسات و سازمانهای وابسته؛ نظیر: راهنمایی و رانندگی، آتش نشانی، اورژانس، تاکسیرانی، شرکت واحد، سازمان آب، شرکت برق و... شبکه ای گسترده و پویایی را بوجود آورده که نه تنها در شرایط خاص، بلکه در شرایط معمول هم قادر خواهد بود گره گشای مشکلات و مسائل عدیده شهر تهران باشد.

طبیعتاً و به لحاظ ماهیت کاری این مرکز، رادیو بهترین گزینه برای اطلاع رسانی در این زمینه است. حتی اولین جرقه شکل گیری این پیامها از خود رادیو بود. (اشاره به پخش پیامهای ترافیکی از برنامه سلام صبح بخیر) اما با این حال هنوز هم تقابل مرکز کنترل ترافیک و رادیو، همان پیامهای ۱۰ ثانیه ای است که به آن اشاره شد. برای بررسی بیشتر و عمیق تر این موضوع و همچنین آشنایی با فعالیت های این مرکز، با آقای مهندس مسعود رهنما، مدیر عامل مرکز کنترل ترافیک، گفتگویی انجام داده ایم.

سرمایه گذاری های کلان بکنیم و به صورت مستمر به تعداد بزرگراه ها اضافه کنیم و یا از راههای دیگر، وسعت راه ها را افزایش دهیم سعی می کنیم از ظرفیت های موجود استفاده کنیم. مثلاً اگر جایی گره ترافیکی داریم، به مردم از طریق تابلوهای خبری

در تمام دنیا مجموعه ای با نام مرکز کنترل ترافیک وجود دارد که وظیفه اش کارگردانی جریان ترافیک به صورت لحظه ای است. این مرکز سعی می کند از ظرفیت های موجود در شبکه، بیشترین بهره وری را داشته باشد. ما به جای این که

آقای مهندس! حضور ترافیک در رادیو پیام چگونه و با چه انگیزه ای بود؟  
مادر مجموعه ای با نام «کنترل ترافیک»، قسمتی هم با نام «رادیو ترافیک» تعریف کردیم. علت و انگیزه حضور رادیو ترافیک در این مرکز براساس بحث هایی است که



## رادیوهای ترافیکی علاوه بر کارکردهای خبری می‌توانند در جهت ارتقاء سطح فرهنگ ترافیکی و عمومی شهروندان بسیار موثر باشند.

محاسبه کنیم، متوجه می‌شویم که رقم بسیار بالایی را در برمی‌گیرد؛ مثلاً: می‌توانم بگویم دو هفته قبل در بزرگراه شیخ فضل‌الله یک خودرو به دلیل نقص فنی (روز پنجشنبه حدود ساعت ۱۱ که این بزرگراه طبق رفتار عادی مسیر شمال به جنوب آن ترافیک ندارد)، در خط سبقت، حدود یک ساعت ونیم ترافیک سنگین در این بزرگراه ایجاد کرد که تا میدان قدس واقع در شهرک قدس کشیده شد. برآورد ریالی ما برای این اتفاق، بالای چهار میلیون تومان خسارت وارده به مردم، چه به لحاظ زمان تلف شده و چه به لحاظ مصرف سوخت و آلودگی هوا بود یا ما در بزرگراه همت روزانه نزدیک به دوازده میلیون تومان هزینه غیرمستقیم حضور در ترافیک را پرداخت می‌کنیم.

شما تا چه حد به اهدافی که اشاره کردید، نزدیک شدید. اصلاً شکل مطلوب رادیو ترافیک را چطور می‌بینید و فکر می‌کنید در حال حاضر به آن شکل رسیدید یا خیر؟

رادیو ترافیک در تمام دنیا به عنوان رادیویی مستقل مطرح است، منتها در کشور ما متأسفانه به دلیل قوانین موجود نتوانسته‌اند یک چارچوب اساسی برای این

سنگین حرکت می‌کنند، با شنیدن اخبار ترافیکی و این معضل، در آن مقطع بر مبنای تجربیات خودشان مسیر جایگزین بعدی را انتخاب می‌کنند که در آن ترافیک گرفتار نشوند.

حسن دیگر رادیو ترافیک این است که وقتی پیامی در مورد ترافیک گفته می‌شود، موظف است مسیرهای جایگزین را برای رانندگان مشخص کند و به آنها راه‌های بهتر با تراکم کمتر را برای رسیدن به مقصد پیشنهاد دهد. این اطلاع‌رسانی می‌تواند در چند بخش مختلف در جامعه ما هم تاثیر مثبت مستقیم داشته باشد؛ مثلاً در بحث آلودگی هوا؛ وقتی شماسعی کنید با اطلاع‌رسانی به موقع درصدی از تاخیرات حاصل ترافیک را کم بکنید، قطعاً می‌توانید نقش بسزایی در کاهش میزان آلودگی هوا داشته باشید، ضمن این‌که در کنار این مسئله بحث مصرف سوخت مطرح است.

قطعاً اگر ما بتوانیم کارگردانی ترافیک را به گونه‌ای انجام بدهیم که شهروندانمان از تاخیر کمتری برخوردار شوند و زمان‌های تلف شده در ترافیک کمتر شود، مصرف سوخت هم کمتر خواهد شد و زمان‌های تلف شده نیز کاهش پیدا می‌کند. این امر را اگر به صورت علامت و رقم

اطلاع بدهیم یا به وسیله سیستم‌های اطلاع‌رسانی RDS، یا به کمک رادیو ترافیک در واقع تجمع ترافیک را در سایر شبکه‌ها توزیع کنیم. به دلیل این‌که اگر آنها از سایر شبکه‌های راهی استفاده کنند، زودتر می‌توانند به مقصد برسند و یکی از دلایل استفاده از رادیو ترافیک هم همین موضوع است. پس رادیو ترافیک در این میان، وظیفه اطلاع‌رسانی عام دارد، در ارتباط با این‌که آخرین وضعیت ترافیک را به اطلاع مردم برساند که این اطلاع می‌تواند چند حسن داشته باشد. در درجه اول کسی که در داخل آن ترافیک محبوس شده، طبیعتاً حالت استرس و اضطراب خاصی به او دست می‌دهد و همین‌که مرجعی وجود دارد که می‌داند راه او بسته است، آرامش خاصی به او دست می‌دهد. این رادیو با پیام‌های خود می‌تواند تا حدودی این استرس‌های درونی را کاهش دهد. در مجموع، این امر می‌تواند یکی از محاسن این پیام‌ها باشد که حداقل آن کسی که در ترافیک مانده، با شنیدن وضعیت ترافیک می‌فهمد که یک نفر هست که کارها را رله می‌کند و به فکر او هست و این‌طور نیست که رها شده باشد. مهم‌تر از همه این‌که خودروهایی که به سمت مسیر با ترافیک

راديو تعريف بکنند. راديو ترافیک باید این قابلیت را داشته باشد که هر لحظه که اتفاقی در شهر افتاد، بتواند وارد سیستم بشود و پیامش را بدهد. در حال حاضر محدودیتی بین این پیامها و راديو پیام وجود دارد؛ مثلاً اگر موزیک در این شبکه در حال پخش است، اخبار ترافیکی پخش نمی شود. در حقیقت تمام پیام های پخش شده بستگی به تهیه کننده آن ساعت راديو پیام دارد. اگر تهیه کننده، اهمیت و عمق پیامها را بدانند، بهتر آنتن را در اختیار ما می گذارد، ولی بعضی از تهیه کننده ها هم بیشتر موسیقی را ترجیح داده، اولویت را به آنها می دهند و این اخبار با چند دقیقه تاخیر پخش می شود. به نظر من دقیقاً برای شهر تهران اهمیت دارند. ما خودمان اینجا اطلاعات و آمار داریم اگر یک حادثه در تهران اتفاق بیفتد که پنج دقیقه طول بکشد تا ما این اتفاق را به اطلاع مردم برسانیم و یا از طریق نیروهای امدادی، مسئله را رفع کنیم، حداقل بیست دقیقه طول می کشد تا ظرفیت بزرگراه به ظرفیت قبلی خودش برگردد و این نشان از اهمیت اطلاع رسانی به موقع به مردم و رفع و رجوع حادثه دارد. متأسفانه با این وجود، سیاستهای پیام بدین شکل هست که به دلیل محدودیت های خاصی که دارد، این اجازه به ما داده نمی شود که مطالب گفته شوند. ما حتی از طریق راديو پیام می توانیم پیام مورد نظرمان را به شکل مطلوب عرضه کنیم؛ هم برای شهروندان و آنهایی که در ترافیک گرفتار شدند و هم برای خودروهای خاصی که دچار سانحه یا تصادف شده اند از این طریق پیام بدهیم و راهنمایی های لازم و اولیه را از طریق راديو بکنیم و یا کسانی که در محل هستند و پیام را می شنوند، به خودروهای سانحه دیده، این پیام را برسانند که به عنوان مثال تصادف از طریق سیستم کنترل ترافیک شناسایی شده و وحشتی از بابت

این که صحنه به هم بخورد، نداشته باشند. این خودش می تواند در بحث بازکردن معابر بسیار نقش آفرین باشد؛ یا رسیدگی به موقع به حوادث و یا کاهش تاخیرات حاصله. همین طور می شود لابه لای پیامهای ترافیکی مسائل را به طور غیرمستقیم آموزش داد؛ آموزش در جهت ارتقاء سطح فرهنگ رانندگان. لزومی هم ندارد که به صورت نصیحت و مستقیم گویی باشد؛ مثلاً بگوییم در فلان سانحه، راننده به دلیل عدم استفاده از کمربند ایمنی به جلو پرتاب شده و از ناحیه سر آسیب دیده. ما در حقیقت پیام ترافیکی می دهیم اما در لفافه توصیه ای به دیگر رانندگان است که آنها را ناخودآگاه به استفاد از کمربند ایمنی ترغیب می کند.

در مجموع راديوهای ترافیکی علاوه بر کارکردهای خبری می توانند در جهت ارتقاء سطح فرهنگ ترافیکی و عمومی شهروندان بسیار موثر بوده، که می توانند در بهبود عبور و مرور و جریان ترافیک نقش اساسی داشته باشند. با این تفاسیر این خاستگاه و جایگاه ترافیک در راديو پیام قطعاً نیاز به بازنگری دارد؛ به عنوان مثال: کشور ترکیه در راديو و تلویزیون قانونی دارد تا در هر روز، دو ساعت برنامه های آموزشی در این جهت داشته باشد. این قانون حتی برای شبکه های تلویزیونی خصوصی آنها هم صادق است و باید از آن پیروی کنند.

من فکر می کنم در ایران هم، صداوسیما باید به این قضیه چارچوب بدهد؛ چون واقعاً ما هزینه های بسیار سنگینی را در این راه می پردازیم، هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم؛ در کنار آن آلودگی هوا می تواند عواقب تاسف بار متعددی را به همراه داشته باشد و سبب مشکلات روحی در جامعه شود. این درحالی است که هفتاد درصد آلودگی هوا

ناشی از آلاینده های متحرک، یعنی خودروهاست. بنابراین من معتقدم همه سازمانهای مرتبط با این موضوع باید باهم همسو باشند؛ یعنی بخشی نگری در این راستا اصلاً جایز و پسندیده نیست، کما این - که ما خودمان و خانواده هایمان هم درگیر این معضل خواهیم بود.

در کل دنیا، اهمیت این اخبار به اثبات رسیده و امروزه حرکت ها به جهتی است تا این اخبار هرچه سریع تر و راحت تر به مردم انتقال پیدا کند. برای مثال راديو ضبط های جدیدی طراحی شده اند که قرار است فرکانس اخبار ترافیکی روی آنتن برود، حتی اگر اتومبیل شما روی ضبط صوت هم باشد و از راديو استفاده نکنید، نوار ضبط صوت به صورت اتوماتیک خاموش می شود و آن اخبار ویژه پخش می شود. الان در کشورهایی که سی تا چهل سال در این قضیه از ما جلوتر هستند به غیر از بحث Voice Radio، بحث Data radio را مطرح کرده اند که این تکنولوژی را هم خیلی راحت می شود در کشور ما اجرا کرد. با توجه به پوششی که صداوسیما در سطح کشور دارد، در واقع این سیستم جدید راديویی یا RDS را می تواند شکل بدهد. ما آخرین اطلاعات و اخبارها را روی فرکانس ها بفرستیم و روی Display خودروها آخرین وضعیت ترافیک به صورت Text مطرح می شود. حتی اگر کسی دنبال آدرس می گردد، می تواند از طریق این سیستم مسیر مورد نظرش را پیدا کند یا کوتاهترین مسیر را بیاماید.

بنابراین ما باید یک بازنگری اساسی در وضعیت اخبار ترافیکی راديو پیام داشته باشیم؛ اگر بشود یک ماهیت مستقل خصوصاً برای تهران و شهرهای بزرگ به وجود آید. در حقیقت ما نیاز داریم تا یک راديوی online local در تهران داشته باشیم؛ تهرانی که ۷۵۰ کیلومتر مربع وسعت دارد با



**رادیو ضبط‌های جدیدی  
طراحی شده‌اند که قرار است  
فرکانس اخبار ترافیکی روی  
آنتن برود، حتی اگر اتومبیل  
شما روی ضبط صوت هم  
باشد و از رادیو استفاده نکنید،  
نوار ضبط‌صوت به‌صورت  
اتوماتیک خاموش می‌شود و  
آن اخبار ویژه پخش می‌شود.**

اینترنت بزیند و به سراغ رادیوهای ترافیکی بروید، می‌بینید در همه کشورها جایگاه ویژه‌ای برای این رادیو تعریف و تثبیت شده است. این امر نشان می‌دهد که این موضوع الزام غیرقابل انکار است و بهترین، ساده‌ترین، ارزانه‌ترین و مناسب‌ترین راه برای اطلاع‌رسانی، همین رادیو ترافیکی است؛ یعنی در این زمینه، جایگاه رادیو، ویژه، خاص و البته قابل توسعه است.

با این وجود شما دورنمای فعالیت مرکز کنترل ترافیکی با رادیو پیام را چگونه می‌بینید؟  
☎️ رادیو پیام از آنجایی که به یک شبکه سراسری تبدیل شده، محدودیت‌هایی در سیاست‌هایش به وجود آمده. اما بحث دیگری وجود دارد که این رادیو تنها رادیوی online ماست. این در حالی است که برای تهران رادیویی با آن هویتی که مدنظر ماست، وجود ندارد. بنابراین ما مجبوریم فعلا با ساختار موجود، خودمان را انطباق بدهیم. ولی واقعیت این است که اگر امروز

که اتفاقات این چنینی را پوشش می‌دهد. نیاز ما یک رادیوی فعال، زنده و پویا در سیستم ماست.  
آقای مهندس! با وجود این که امروز مرکز کنترل ترافیکی، علاوه بر رادیو، از طریق تلویزیون، اینترنت و حتی جراید و روزنامه‌ها به رسالت اطلاع‌رسانی خود عمل می‌کند، تکیه‌گاهی بهتر و محکم‌تر از رادیو ندارد و نخواهد داشت؛ چراکه رسانه رادیو به دلیل شرایط و ویژگی‌های خاص و سهل‌الوصول بودن خود، خیلی راحت‌تر می‌تواند در بحث ترافیکی ایفای نقش کند. به زبان ساده، راننده‌ای که در دام ترافیکی گرفتار شده، اولین رسانه‌ای که او بدان دسترسی دارد و می‌تواند از طریق آن، او را راهنمایی کرد، تنها رادیوست؛ یعنی می‌تواند از فعالیت‌های شما به‌عنوان یکی از کارکردهای خاص رادیو نام برد؟

☎️ بله! توسعه رادیو ترافیکی در دنیا هم خیره‌کننده بوده است. شما اگر گریزی در

هفت میلیون جمعیت ساکن و دو میلیون جمعیت سیال، ما باید بتوانیم به کمک رادیو ترافیکی مردم را هم هوشمند کنیم. علاوه بر این که باید تجهیزات کنترل ترافیکی را در سطح شهر هوشمند کنیم تا افراد در مواقع مختلف عکس‌العمل‌های مختلف نشان دهند، باید مردم را هم در همین جهت راهنمایی کنیم. این یکی دیگر از کارکردهای رادیو ترافیکی است که به‌عنوان یک جایگاه ویژه اطلاع‌رسانی عام با مردم مرتبط شود.

شما بررسی کنید، رادیو ترافیکی کی توانست خبر حادثه پارک شهر را پخش کند. فاجعه پارک شهر یک اتفاق ساده نبود. اگر رسانه‌ای به نام رادیو تمامی ابعاد این فاجعه را بررسی می‌کرد آنوقت متوجه می‌شدید که اوضاع به چه ترتیب بوده؛ وضعیت امداد رسانی به چه صورت بود؛ وضعیت هماهنگی در امداد رسانی به چه صورت بود... در حالی که به نظر من رادیو باید در چنین مواقعی اولین رسانه‌ای باشد



**گوینده رادیو ترافیک نباید  
گوینده صرف باشد؛ بلکه باید  
یک کارشناس ترافیک باشد.  
یعنی کسی که ترافیک برایش  
ملموس باشد و بتواند در آن  
لحظه، پیام مناسب و راهنمایی  
لازم را برای مخاطبان خود  
داشته باشد.**

شیوه‌های مختلف اطلاع‌رسانی هم پرداختیم؛ مثلاً مطالبی از قبیل کوتاهی پیام یا تاثیرگذاری و به موقع بودن آن و...

درباره گوینده‌های رادیو ترافیک نیز باید گفت که این گوینده نباید گوینده صرف باشد؛ بلکه باید یک کارشناس ترافیک باشد. یعنی کسی که ترافیک برایش ملموس باشد و بتواند در آن لحظه، پیام مناسب و راهنمایی لازم را برای مخاطبان خود داشته باشد.



ایجاد کنیم تا از این وضعیتی که هست بهبود دهیم. ما اگر در احداث چنین رادیویی محدودیت داریم، بیاییم این روش موجودمان را حداقل بهینه بکنیم و بهبود بدهیم. به هر حال با سیاست‌هایی که برای رادیو تبیین می‌شود، بدانیم که این هم جزئی از رادیو هست و باید ببینیم که فلان سیاستی که در یک زمینه اتخاذ می‌کنیم، آیا به نفع این اطلاع‌رسانی رادیویی هم هست یا نه. آیا در اخبار ترافیکی خدشه وارد می‌کند یا خیر. ما در حال حاضر به بررسی نحوه و

زیر بار این مطالب نرویم، در آینده قطعاً می‌بینیم که همان کاری که دنیا کرده است را باید انجام بدهیم؛ یعنی تاسیس یک رادیوی مستقل که تنها به مسائل شهری و اخبار ترافیکی اختصاص دارد؛ رادیویی که روی فرهنگ مردم و روی شهروندسازی کار بکند و مشکلاتی که در حال حاضر در پیام با آن درگیر هستیم، وجود نداشته باشد. قطعاً وجود رادیویی مستقل به نام ترافیک با این کاربردها که ذکر شده، اجتناب‌ناپذیر است، منتها همین سطحی هم که موجود هست را ما می‌توانیم تغییرات زیادی در آن

## الو... اینجا رادیو ترافیک

در عصر پر زرق و برق اطلاعات، تکامل وسایل و ابزار انتقال اطلاعات هم، فرایندی است که به سرعت و به موازات گسترش اطلاعات، راه خود را می‌پیماید.

تکامل دستگاه‌ها و نرم‌افزارهای خاص رادیو نیز در این میان چندان کم فروغ نبوده و ورود این دستگاه‌ها به دنیای دیجیتال، قدم بلندی در جهت ارائه بهتر برنامه‌های رادیویی بوده است. با این حال در دنیای دیجیتال امروز شاید اولین شبکه‌ای که تا حدودی به دنیای دیجیتال نزدیک شد، رادیوی پیام بود.

پخش صدا آن هم به صورت استریو از این شبکه موسیقیایی، خدمتی بس گرانبها به برنامه‌سازان و مخاطبان این شبکه بود. و البته این نیمه پر لیوان است...

در همین شبکه رادیویی که به فاصله هر پانزده دقیقه چند خبر کوتاه پخش می‌شود، تقریباً بعد از هر بخش خبری، پیام‌های کنترل ترافیک نیز به مخاطبان عرضه می‌شود. اما روش پخش این پیام‌ها بسیار ابتدایی است و تنها در حالات خاص کاربرد می‌یابد. پخش صدا از طریق تلفن آن هم برای پیام‌هایی که در هر روز به صورت مشخص زمان خاصی از برنامه‌ها را تشکیل می‌دهند و مرکز پخش آن نیز در دسترس می‌باشد، با کیفیت کاملاً متفاوت با سایر برنامه‌های این شبکه نکته‌ای است که جای بسی تعجب دارد. امروزه پیام‌های تلفنی تنها در حالات خاص که بیشتر جنبه خبری و لحظه‌ای دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند، تا در لحظه مورد نظر از طریق این وسیله سهل‌الوصول، اطلاعات منتقل گردد؛ البته نه در شبکه‌ای با کنداکتور تقریباً مشخص برای پخش و آن هم با این همه تفاوت در کیفیت صدا.

# یک شبکه، هزار سودا

امیرحسین رهرو



همیالیا  
با خدمات پس از فروش»  
چشم‌هایتان را باز می‌کنید و هنوز  
صدای تبلیغ بانک مسکن و دعوت برای  
بازکردن حساب تمام نشده که، آرم آشنای  
اعلام اخبار...  
«- درگیرها در شبهه جزایر... همچنان  
ادامه دارد، به‌گفته آگاهان درپی  
درگیری‌های اخیر، یک صد و پنجاه زن و  
کودک کشته و زخمی شده‌اند.  
- در پی قتل وزیر... افغانستان...  
- وزیر صنایع: ظرفیت تولید سیمان  
افزایش یافت!».

استفاده از موسیقی‌های متناقض که البته  
هریک به‌تنهایی زیباست اما بدون هیچ نظم  
و قاعده‌ای کنار یکدیگر چیده شده‌اند، چند  
فضای متفاوت بدون زمینه‌سازی و  
پرداخت قبلی ایجاد می‌شود؟  
با دقت به مضمون اخبار پخش شده،  
این سوال مطرح می‌شود که برای چنین  
شبکه‌ای کدام دسته از اخبار و اتفاقات  
مجال بیان دارند؟  
و آخر این که چرا شنونده‌ای که برای  
گوش دادن به موسیقی رادیو را انتخاب  
کرده باید در جریان ترافیک تهران قرار  
گیرد، آن هم در شهرستانی دیگر؟  
به نظر می‌رسد رادیو پیام می‌خواهد به-  
تنهایی بار چند شبکه را به دوش بکشد، و  
برای این کار دست به جمع اضداد زده  
است. با این تفصیل آیا دل سپردن به آمار ۱۴  
درصدی شنونده، کافی و بسنده است؟



گویا شبکه پیام هنوز نتوانسته است  
تکلیف خود را با این دو نظریه روان‌شناسان  
روشن کند؛ عده‌ای از روان‌شناسان  
می‌گویند: «صبح باید با موسیقی شاد و  
مهیج و تند شروع شود تا انرژی و پتانسیل  
لازم برای یک روز پر از فعالیت، ایجاد و  
ذخیره شود» و عده دیگری می‌گویند: «در آغاز  
روز و بعد از برخاستن از خواب باید با  
آرامش و موسیقی‌های ملایم و آرام همراه  
بود، تا بتوان خود را برای ورود به دنیای پر-  
از استرس آماده کرد».

اما پیام برای این که هیچ کدام از  
نظریه‌پردازان مذکور دلگیر نشوند، از  
موسیقی پاپ، عرفانی، محلی و جاز گرفته  
تا اشعار و جملات عارفانه، عاشقانه، طنز،  
تبلیغاتی و صدای خنثی و بی‌تفاوت گوینده  
خبر «توامان» استفاده می‌کند!  
و همه اینها برای شنونده خواب‌آلوده و  
دست‌پاچه صبحگاهی.

تصور کنید صبح در اتوبوس یا سرویس  
یا تاکسی نشسته‌اید، قیافه آدم‌ها، افرادی که  
روی صندلی‌ها مشغول چرت‌زدن هستند و  
عده‌ای دیگر برای این که لای در نمانند در  
حال تقلا و پیام هم با صدای بلند:

(موسیقی ملایم خواب‌های طلائی)  
گوینده: «این جا رادیو پیام، گل فروشی  
چهارشنبه، و من گل فروش چهارشنبه‌ها،  
اگر شنونده من هستید به گل فکر کنید، تا  
خودتان هم مثل گل...»

(تداوم موسیقی ملایم)  
و بعد از حدود ۲۰ ثانیه که شما کاملا  
محو جو شاعرانه شده‌اید، با یک صدای  
موسیقی اکشن درجا خشک می‌شوید: «زیبا  
مناسب هر آب و هوا،

## لطفا شما محاسبه کنید

هر روز در شش نوبت چهار ساعته، و در هر نوبت چهار ساعته شانزده نوبت پانزده دقیقه ای و در هر نوبت پانزده دقیقه ای حدوداً پنج دقیقه خبر و پیام های ترافیکی، ۱۰ دقیقه موسیقی و در هر ده دقیقه موسیقی دو یا سه نوبت میکروفون برای گوینده پیام، آن هم برای زمان های پنج الی بیست ثانیه ای باز است و او باید به کمک تهیه کننده و نویسنده، اهداف تبیین شده شبکه پیام را محقق سازد!  
حالا برخی از اهداف شبکه پیام را بخوانید:

- رشد فضایل اخلاقی اسلامی و ارتقاء کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه
- افزایش بهره وری در تمامی سطوح و فعالیت ها
- تقویت مشارکت عامه مردم در امور مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ایجاد زمینه های لازم جهت مشارکت فعال جوانان در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
- گسترش و تقویت و آموزش فرهنگی، نظم و انضباط و قانون گرایی و رعایت اخلاق و ارزش های اجتماعی
- تلاش در جهت حاکمیت کامل قانون و حفظ امنیت همه جانبه آحاد مردم و ترویج فرهنگ احترام به قانون و توجه به قداست آن
- مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی با حفظ شئونات خانواده
- ترویج رفتار مناسب فردی، خانوادگی، اجتماعی و مبارزه با رواج الگوهای ناهنجار متأثر از فرهنگ بیگانه
- تشویق و ترغیب جامعه به سمت استفاده بهینه از منابع از طریق مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، تبلیغی و اقتصادی
- تعمیم نظارت اجتماعی
- توجه به قداست کار و کسب روزی حلال
- تقویت بنیه علمی و تفکر نقادانه و تشویق به مطالعه
- اهتمام به امر پرورش روح، خلاقیت و نوآوری در زمینه های علمی، فرهنگی و هنری
- تقویت حس خودتکابی و اعتماد به نفس

## گلفروشی چهارشنبه ها تقدیم می کند (گزیده متون بخش صبحگاهی چهارشنبه ها)

نیایش

خدای من! امروز هم آغاز شد و من دوباره با یاد تو آغاز کردم. امروز هم مثل همه صبح ها، نام تو با نسیم شروع می شه و با دستمال نرم عاطفه، پیشونی صخره ها رو می بنده.

خدای من! باورکن، باورکن دارم از غیرت این ناتوانی، خودمو می خورم که تو همه جا هستی و من همه جا دنبالت می گردم! تو همه جا هستی و من نمی توئم اون طور که تو هستی، لمست کنم و ببینمت!

خدای من! در این صبح قشنگ، در این صبح سرشار از تو، کی می تونه حضور تو رو انکار کنه، در حالی که این همه بوی گل پیچیده به لحظه ها!

خدای من! اینجا، از فراوانی وجود تو لبریزه و بوی گل داره آروم آروم از خود بی خود می کنه!

عجایب هشتگانه

اینجا تهران؛ رادیو پیام؛ چهارشنبه و من گل فروش صبح چهارشنبه! آقا این گل فروشی ما از عجایب هشتگانه دنیاست. می گی چه طور؟!  
واسه این که این اولین گل فروشی دنیاست که قراره کسب و کار بقیه گل فروش های شهر رو کساد کنه. کساد که هیچ، تازه می خواد بهشون رونق هم بده. این گل فروشی کارش تبلیغ برای همه گل فروش های باصفاست!

چهارشنبه استثنایی

من معتقدم این چهارشنبه، استثنائی ترین چهارشنبه تاریخه. می گی چرا؟ می گم برای این که درست توی همین چهارشنبه است که من و تو با هم آشنا می شیم. اتفاق آشنایی ما، یه اتفاق کوچیک و کم اهمیت نیست. اگه یه آدم باذوق، تاریخ امروز رو بنویسه حتما به آشنایی من و تو اشاره می کنه. آشنایی ما اتفاق کوچیکی نیست. مطمئن باش، در ادامه رفاقت ما یه اتفاق بزرگتر می افته؛ اتفاق عشق!

## پیام های کوتاه، قصه های قدیمی

اینجا تهران؛ رادیو پیام؛ چهارشنبه صبح:

پیام برای قصه های قدیمی! قصه های قشنگ قدیمی! حتما یادتون هست که تمام خیابون کودکی رو دست در دست شما قدم زدیم و به میدان بلوغ رسیدیم... حتما یادتون هست که چه شب های زیادی، حلاوت صدای شما، پلک های کودکی منو به هم چسبوند... آگه یادتون رفته، مطمئن باشین من هیچ وقت یادم نرفته... دلم براتون تنگ شده... کاش از خیابون کودکی به لحظه های زندگی امروز به راهی بود! آگه شما بخواین برگردین، من راهشو پیدا می کنم، اینو قول می دم!

آی اهل محل شتاب کنید

جنس های مرا هم آب کنید

بقچه ام از نگاه و خنده پر است

می توانید، انتخاب کنید

مثلا این نگاه زیبا را

می شود پر از آفتاب کنید

یا همین خنده را که می بینید

می شود در اتاق قاب کنید

گله از هیچ کس نخواهم کرد

خنده ام را اگر خراب کنید

این که خیلی بد است این طوری

چشم های مرا جواب کنید

جای دوری نمی رود، مردم!

روی احساس من حساب کنید

خنده و عشق در بساط من است

آی اهل محل شتاب کنید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حرف آخر

اینجا استودیوی پخش شبکه پیام است؛ جایی که در هر روز شش تیم مجرب و زبده از میان بهترین های رادیوی ما، در بخش های سحرگاهی، صبحگاهی، نیمروزی، عصرگاهی، شامگاهی و شبانگاهی به مدت چهار ساعت وظیفه برنامه سازی در این رادیوی پرمخاطب را عهده دار هستند. تلاش ما تنها معرفی گوشه ای از فعالیت هایی بود که در این شبکه رادیویی اتفاق می افتد و جادارد در پایان این گزارش با احترام به مسئولین و عوامل پخش دیگر شیفت های شبکه پیام، این موضوع را ذکر کنیم که انتخاب بخش صبحگاهی چهارشنبه ها تنها به منظور تهیه گزارش از یک شیفت برنامه سازی در این شبکه بوده است.

